

نیوکواری را شاه عباس به من آموخت / احمد رضا همیشه زنده است

یادش که می افتد آه بلندی می کشد و زل می زند به عکسی که سال هاست روی رف قدیمی خانه جا خوش کرده است همه این را می دانند که از ۲۴ سال پیش شیارهای عمیق صورت پیرمرد عمیق تر شده و سکوتش وسعت بیشتری گرفته از همان روزی که خبر آوردند در جاده سفنجان به مارون تصادف کرد.

زهره حاجیان: برای احساس درد پدری که فرزندش نوجوانش را از دست داده و برای آرامش او و زنده ماندن یاد و خاطره اش به مدرسه سازی روی آورده فقط کافی است کمی سکوت کنی و بگذاری درددل کند و از احمد رضا بگوید و بگوید که ۱۱-۱۲ ساله بود و بهترین پسرش بگوید که خوب درس می خواند و مردم دار و مهربان بود و....

درست یا غلط حاج حسن مهدی پور ۸۰ ساله به چشم زخم معتقد است و می گوید که احمد رضا را چشم زدند و بعد از دست دادن او تصمیم گرفتم مدرسه ای در روستای خودمان بسازم تا خودم؛ خانواده ام و دوستانش هر وقت نام او را دیدم یادمان باشد که احمد رضا زنده است و در کنارمان زندگی می کند.

بغض می کند پیرمرد و با صدایی که می لرزد می گوید: از بس که مهربون بود از بس که زرنگ و خوش اخلاق بود راستش اول نمی خواستم شکایت کنم و دیه بگیرم اما گرفتم و با پولش مدرسه ساختم اما هر چه کردم نتوانستم خودم را راضی کنم پول دیه را برگرداندم و مدرسه را با هزینه خودم ساختم .

پیرمرد وقتی از روز افتتاح مدرسه و حضور دانش آموزان در مدرسه می گویی چشمان ریش برق می زند و می گوید: آن روز خیلی خوشحال بودم وقتی بچه ها با ح.شحالی وارد مدرسه تازه ساز مدرسه می شدند حس مس کردم که احمد رضا زنده است و دارد به بچه ها نگاه می کند آن روز نمی توانستم این احساسم را به کسی بگویم اما در کمال تعجب دیدم که همسر و فرزندانم و حتی دوستانش این حس را داشتند.

در حال حاضر دبیرستان دخترانه زنده یاد احمد رضا مهدی پور بیش از ۴۰۰ دانش آموز از روستای سفنجان از توابع شهرستان فریدن و روستاهای اطراف درس می خوانند.

دل حاج حسن بزرگ است درست مانند خانه اش او نیت کرده که منزل مسکونی اش را پس از مرگ در اختیار اهالی بگذارد تا مراسم عروسی و عزایشان را در اینجا برگزار کنند و بخش دیگری از خانه را به مدرسه سازی اختصاص دهد .

او با پیشنهادی به اهالی فریدن که در تهران و اصفهان و شیراز زندگی می کنند و مشکل مالی ندارند می گوید: اگر می خواهید در راه خدا کاری کنید بیابید و در راه ترویج علم و دانش و امر مدرسه سازی سرمایه گذاری کنید که هم منفعت دنیایی دارد و هم باقیات صالحاتی برای فرداهای تان خواهد شد.

نیکوکاری در خون پیرمرد است از همان زمانی که پدرش شاه عباس گونی های گندم و آرد را روی دوشش می گذاشت و می گفت بپر به خانه هایی که دیروز آدرسش را دادم و شانه های نحیف حسن زیر گونی ها می لرزید و وقتی لبخند را روی صورت صاحبخانه می دید دلش می لرزید و یادش می رفت خستگی هایی که زیر بار سنگین گونی ها تحمل کرده است .

این روزها با اینکه ۲۰ سال از تصادف احمد رضا می گذرد اما هنوز هم نامش در کوچه باغ های کاهگلی روستا و اطراف دبیرستانیکه به نام او مزین شده زنده است و خانواده شلوغ پیرمرد با افتخار از او یاد می کنند.